

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جمعی از کمونیست های انقلابی- افغانستان

۰۹ مارچ ۲۰۲۳

تجلیل از ۸ مارچ روز جهانی زن

تجلیل ما از ۸ مارچ روز جهانی زن نمی تواند بدون یادآوری و بررسی موقعیت زنان افغانستان باشد. زنانی که در قلب و مرکز حملات وحشیانه بنیادگرای اسلامی در چهار دهه گذشته قرار داشته اند. زنان افغانستان اینک با ضد زن ترین حکومت روبه رو اند. حکومتی که تولید و نتیجه دخالت های مستقیم امپریالیست ها و مرتجعان منطقه ئی می باشد. هنگامی که امپریالیست ها طالبان را به قدرت رساندند بر این مسأله آگاهی داشتند که حقوق زنان را با یک نیروی واپسگر به معامله گذارده اند. بر این مسأله آگاهی داشتند که زنان مورد شدیدترین ستم ها قرار خواهند گرفت و پایه ئی ترین حقوق آن ها پایمال خواهد شد. اما آنان با بوق و کرنا به جهانیان اعلام کردند که با طالبان به " صلح " رسیده اند. طالبان تغییر کرده و "معتدل" شده اند. طالبان حقوق زنان را رعایت خواهند کرد. اما هنگامی که آن ها در حال امضای "صلح" با طالبان بودند در حقیقت در حال امضای تشدید ستم بر زنان، تشدید ستم بر ملیت ها و تشدید استثمار فرودستان بودند.

دیری نگذشت که واقعیت ها عیان گردید. زنان به ترتیب از کار منع شدند، از تحصیل منع شدند، از فعالیت های اجتماعی منع شدند، از فعالیت های هنری و ورزشی منع شدند، اما حملات زراد خانه طالبان به همه این محرومیت ها بسنده نکرد. زنان از انجام پایه ئی ترین کارهای روزمره برای پیشبرد زندگی نیز محروم شدند. سفر داخلی و خارجی برای زنان بدون همراه مردان محرم ممنوع شد، رفتن زنان به حمام ممنوع شد، زنان نمی توانند برای تهیه ضروریات زندگی به بیرون از خانه بروند. زنان موظف به رعایت حجاب نوع طالبانی شدند. زنان از رفتن به پارک های حتی مخصوص زنان نیز منع شدند. به بسیاری از کسبه ها اعلام شد که به زنان تنها و بدون محرم، چیزی نخرند، به تاکسی ها اعلام شد که زنان تنها را سوار نکنند. عملاً زنان از رفتن به بیرون از خانه منع شدند. زنان تنها می توانند در خانه بمانند و در آشپزخانه "وظایفشان" را انجام دهند و مردان خانه را راضی نگاه دارند، فرزند بزرگ و بزرگ کنند. طالبان همواره مصروف سرکوب زنان اند و به نظر می رسد کار دیگری ندارند.

در طول یک سال و نیم حاکمیت طالبان، ناپدید کردن و قتل زنان بشدت افزایش یافته است. در این مدت حداقل ۱۵۹ زن به قتل رسیده اند و تعداد زنانی که زندانی شدن شان تأیید شده بیش از ۱۱۰۰ نفر است. این رقم زنانی که کمتر از یک ماه در زندان بوده اند را در بر نمی گیرد. طبق خبر ها بیش از ۵۰ زن و دختران نوجوان خودکشی کرده اند و حداقل ۷۹ نفر در ملا عام و بر اساس حکم محاکم شلاق زده شده اند.

هدف طالبان از تحمیل عقب مانده ترین ارزش های زن ستیزانه و برخوردارهای وحشیانه این است که مهر و نشان اسلامیت خود را برجسته کنند. زن ستیزی چنان با اساس و پایه طالبان و حکومت بنیاد گرای آن گره خورده که هر تغییری می تواند موجودیتش را بی ثبات کند. به عبارت دیگر مبارزه علیه این رژیم بنیاد گرا با مبارزه علیه زن ستیزی آن گره خورده است.

بدون شک این محدودیت های طالبان با خشم عظیم زنان افغانستان روبه رو بوده و است. اگر چه این خشم عکس العمل های متفاوتی را به وجود آورده است. اما مهم ترین واکنش زنان به این اقدامات زن ستیزانه مبارزه ای بوده است که زنان پیشرو به پیش گذارده اند. زنان و به خصوص زنان جوان پیشرو تسلیم نشده و علی رغم آگاهی بر سرکوب های وحشیانه و خطراتی که به همراه دارد و علی رغم محدودیت های خانوادگی و اجتماعی، جدالی را با حاکمان زن ستیز و تاریک اندیش به پیش برده اند. این زنان به مبارزه برخاستند و سکوت را در جاده های کابل و دیگر شهرها از جمله هرات، مزار شریف، بغلان، بدخشان و... شکستند و صدای زنان ستم دیده کشور را با فریاد های "ما دیگر برده نخواهیم شد"، "اسارت نمی پذیریم"، "زیر بار امارت اسلامی نخواهیم رفت"، "به پوشش اجباری تن نخواهیم داد"، "کار، نان، آزادی" بلند کردند. دختران دانشجو و دانش آموز در مقابل منع تحصیل به جاده ها آمدند و در مقابل دانشگاه ها به تحصن دست زدند و در مقابل گلوله های نیروهای جهل و خرافه "آموزش برای همه" را فریاد زدند. این زنان تلاش کردند تا در مبارزه با یکی از شرورترین و زن ستیز ترین حکومت ها جنبش نوین زنان افغانستان را زنده و سرپا نگاهدارند.

مبارزه زنان افغانستان در مقابل یکی از ضد زن ترین حکومت ها که از حمایت های امپریالیست ها و مرتجعان منطقه نی برخوردار اند به آسانی و سادگی به پیش نخواهد رفت و راهی پر از پیچ و خم در پیش است و تنها با ایستادگی و ادامه مبارزات شجاعانه به پیش خواهد رفت. شکی نیست که این مبارزات دارای افت و خیز خواهد بود، گاهی در سطح خود را نشان خواهد داد و گاهی به عمق خواهد رفت. اما با زاده شدن جنبش زنان افغانستان دیگر از بین نخواهد رفت و طالبان نمی توانند با سرکوب، ممنوعیت، محدودیت و خشونت زنان را به چهاردیواری خانه ها بفرستند. دلایل مهمی وجود دارد که می توان انتظار داشت زنان مبارز و پیشرو این آرزوی طالبان و حامیان بین المللی اش را نقش بر آب کنند.

۱- این ممنوعیت ها و محدودیت ها باعث تمکین زنان نخواهد شد به عکس بر خشم زنان اضافه خواهد کرد.
۲- فضای سال های مقاومت در مقابل اشغال روسیه که دوران رونق جهادی ها و بنیادگرایان بود به پایان رسیده است. اگر طالبان و حامیان امریکائی اش تلاش دارند تا آن تجربه را تکرار کنند و آن فضاء را بیافرینند سخت در اشتباهند.
۳- امروز در شرایطی قرار داریم که رژیم های مذهبی و بنیادگرا به طور روزافزونی با انزجار عمیق در میان زنان و اکثریت مردم روبه رو هستند و مشروعیت خود را بیش از پیش از دست داده اند. در دوره ای قرار داریم که قدرت گیری اسلام سیاسی در منطقه بشدت روبه اضمحلال است. شکست و ناتوانی جمهوری اسلامی ایران و به پا خیزی پر قدرت زنان ایران شاهی بر این مدعاست.

۳- زنان افغانستان از آگاهی و رشد فکری بسیار بیشتری برخوردارند که در فرآیند چهار سال سلطه بنیادگرایی و درد و رنج حاصل از آن به دست آمده است و بسادگی حاضر به پذیرفتن ارزش ها و سنت های عقب مانده پدرسالارانه نیستند.
۴- ظرفیت مبارزاتی زنان افغانستان تنها در تعداد زنان پیشروی که علناً و شجاعانه به مبارزه برخاسته اند خلاصه نمی شود بلکه در اعماق جامعه ریشه دارد. به طور مثال اکثریت عظیم دانش آموزان و دانشجویان خشم عمیقی از طالبان به دل گرفته اند.

بنابراین جنبش زنان افغانستان علی رغم در پیش داشتن راه پرپیچ و خم و سخت و دشوار اما به پاخاسته و به اشکال مختلفی ادامه خواهد یافت. این روزها ما شاهد شعار نویسی دختران علیه محرومیت از تحصیل و دیگر ابعاد زن ستیزی هستیم. آن چه که مسلم است با وجود زنان آگاه و انقلابی، با وجود خیل وسیعی از نوجوانان دختر که از این اوضاع و خشونت های سیستماتیک طلبان به ستوه آمده اند، زنانی که کار و زندگی خود را از دست داده اند و زنان هنرمند و ورزشکار که دست و پای شان بسته شده است، مبارزه زنان ادامه خواهد یافت. این مبارزات و ادامه یابی آن می تواند نقش مهمی را در رهائی مردم از ستم و استثمار طبقاتی و بنیادگرایی اسلامی بازی کند.

اما باید در نظر داشت که جنبش زنان افغانستان هم از گرایشات مختلف تشکیل می شود. دسته ای از زنان در مخالفت با طالبان و احکام ضد زن شان، دست به سوی "جامعه جهانی" دراز کرده اند و از آنان می خواهند که در برابر زن ستیزی طالبان سکوت نکنند. این "جامعه جهانی" که همان قدرت های امپریالیستی هستند نه تنها عامل اصلی به قدرت رسیدن طالبان هستند، بلکه خود عامل اصلی ستم بر زن نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر جهان اند. در نتیجه جنبش انقلابی زنان برای این که بتواند جنبشی فراگیر شود و توده های وسیع زن را متشکل کند، برای این که بتواند مبارزات خود را به اشکال گوناگون سازماندهی کند و کل مبارزات خود را در جهت سرنگونی انقلابی طالبان جهت دهد، نیاز دارد که با تفکرات غلط موجود در جنبش زنان نیز مبارزه کند و آن را به عنوان بخشی از پیشروی مبارزات در مسیر درست ارزیابی کند.

رهائی واقعی زنان تنها با یک انقلاب واقعی امکان پذیر خواهد شد. انقلابی که نظام استثماری و ستمگرانه طالبان را سرنگون کند و دولت پرولتری را جایگزین آن کند. دولت پرولتری بر اساس منافع طبقه کارگر، دهقان و زحمتکشان جامعه که بیش از ۸۰ درصد جامعه را تشکیل می دهند ایجاد می شود. تنها در شرایط برقراری یک دولت پرولتری است که می توان از حرکت به سوی رهائی واقعی زنان سخن گفت. چرا که منافع واقعی کارگران و زحمتکشان درگرو این است که با پیشبرد مبارزات در عرصه های گوناگون نظری و عملی شرایط را برای از بین بردن طبقات، مالکیت خصوصی و هر گونه ستم از جمله ستم بر زن آماه کند.

جمعی از کمونیست های انقلابی – افغانستان

۸ مارچ ۲۰۲۳

۱۷ حوت ۱۴۰۱